



مروری بر صنایع دستی فراگیر در استان‌های کشور

پیشانی هنر ایرانیان

فاطمه عرفانی

کارشناس صنایع و هنرهای دستی

عکس: عباس جعفری

کاشی‌کاری مسجد جامع یزد

صنایع دستی به آن گروه از فرآورده‌های هنری دست ساخت اطلاق می‌شود که هم مواد اولیه آن طبیعی هستند و هم در فرآیند تولید آداب، سنن، فرهنگ و هنر نیز کاملاً مشهود و ملموس باشند. روح هنرمند در تولید دست‌ساخته‌ها دخیل است. فرآورده‌هایی که تلفیقی از هنر و صنعت می‌توان قلمدادش کرد. حال اگر بُعد هنری در تولید غالب باشد «مستظرفه» هستند مانند مینیاتور، تذهیب، و خوشنویسی و اگر بعد صنعتی غالب شود به آن هنرهای «صناعی» اطلاق می‌کنند که حصیر بافی، دواتگری، مسگری و را می‌توان در دسته‌بندی دوم جا داد.

صنایع دستی در ایران از تنوع چشمگیری برخوردار است و ۳ درصد سهم ناخالص ملی را به خود اختصاص داده است. نگارنده در این مقاله یک رشته شاخص در هر استان را که دارای ویژگی‌هایی است معرفی می‌کند. طبیعی است که هر یک از آثار معرفی شده می‌تواند در منطقه‌ای دیگر نیز تولید و عرضه شود. منتهی آب، خاک و هوای هر منطقه در کیفیت مواد اولیه و ویژگی طرح و رنگ محصول آنقدر تاثیرگذار است که مشاهده می‌شود در اکثر صنایع دستی مناطق کویری و خشک، که طبیعت به رنگ خاک است از تنوع رنگهای شاد استفاده می‌شود. در واقع تولیدگر، طبیعت خیالی خود را که باغ سرسبز پر گل است بر هنر دست خود جاری می‌کند درحالی که در مناطق سرسبز شمالی که تنوع رنگی در طبیعت بوفور یافت می‌شود هنرمند با ایجاد طرح‌های ساده خود را به آرامش می‌رساند.

بنابراین این پژوهش در تلاش است تا تصویری از وضعیت فرآورده‌های دست‌ساخته ایرانیان به دست دهد و امید است تا خوانندگان سفر و علاقه‌مندان به این بحث در شماره‌های آینده ماهنامه سفر را در تکمیل این فهرست یاری دهند.

نمونه‌ای از هنر چاپ کلافه‌ای یا باتیک بر روی پارچه. این هنر در شهر اسکو در آذربایجان شرقی مرسوم است

باتیک



آذربایجان شرقی. شهر اسکو در استان آذربایجان شرقی خاستگاه یکی از مراکز عمده چاپ باتیک در ایران است و هنرمندان این خطه انواع رنگ‌های شاد و زنده را در رومیزی، روسری، و نوعی لباس ابریشمی به نام «کُفَسان» بکار می‌گیرند. باتیک واژه‌ی اندونزیایی است که در فارسی چاپ «کلافه‌ای» هم نامیده می‌شود. این هنری است که به وسیله آن پارچه‌های سفید یا ساده (به‌ویژه) ابریشم را رنگ‌آمیزی یا نقش‌دار می‌کنند. ابزار کار هنر باتیک، وسیله‌ای بنام تیان است. (وسیله‌ای فلزی شبیه به قیف با لوله‌ای نازک، قلم مو، مهر و کارگاه چوبی که برای مهار کردن پارچه به کار می‌رود). روش کار باتیک بر چند نوع است؛ چاپ مستقیم، چاپ برداشت، چاپ با شابلون، نقاشی باتیک روی پارچه ابریشمی، تار عنکبوتی، قلم مویی، بدون رنگ‌رزی، باندانا (پیچشی). ولی معمول آن این است که موم یا صمغ را ذوب می‌کنند و در درون تیان می‌ریزند. با حرکت تیان بر روی پارچه نقش مورد نظر را طراحی می‌کنند، در این حالت پارچه را در محلول رنگ فرو می‌برند و قسمت‌هایی که موم دارد، رنگ نشده و سفید می‌ماند سپس پارچه را در بنزین فرو برده و موم‌گیری می‌کنند و دوباره قسمت‌های مورد نظر یا رنگ خورده را موم‌گیری می‌کنند و قسمت‌هایی دیگری را در رنگ فرو می‌برند و به همین ترتیب تا نقوش مورد نظر ایجاد شود. روش دیگر استفاده از مهر است که به جای تیان، مهر را در موم مذاب فرو می‌برند و بر روی پارچه می‌زنند. بقیه مراحل مانند روش قبلی انجام می‌شود. پارچه‌هایی که با روش باتیک رنگ‌رزی می‌شوند، به طور معمول، به ابعاد روسری یا شال است، ولی بنا به مصرف، این ابعاد می‌تواند تغییر پیدا کند. استاد گنجینه از اساتید معروف این رشته است.

چوبی تلفیق کرد مانند عکس نمونه که جنگ رستم و ازدها را نشان می‌دهد که تلفیقی از معرق-منبت و ساخت احجام چوبی است که در نهایت، زیبایی تحسین برانگیزی دارد. احجام چوبی علاوه بر مصرف تزئینی می‌توانند با طراحی خوب کاربردی نیز باشند.

مفرش بافی و قالی

اردبیل. دستیافته‌ی مفرش امروزه در اردبیل جایگاهی جالب توجه دارد. این هنر دستی به شکل مکعب-مستطیل و درب دار (شبییه صندوق، چمدان) تهیه می‌شود. پس از اتمام عملیات بافت، به کمک نوارهای چرمین لبه‌های مفرش دوخته می‌شود و دسته‌های چرمی، تعبیه می‌شود در گذشته این ابزار برای حمل و نقل لحاف و تشک یا اسباب و لوازم زندگی، در هنگام سفر یا کوچ عشایر مورد استفاده قرار می‌گرفت. به لحاظ ساختار خاص مفرش، حمل آن بر روی چهارپایان آسان بود و راحت بر پشت حیوان جای می‌گرفت. حالا این دست‌بافته زیبا، با تکنیک بافت گلیم و یا سوماک عجین می‌شود و نقوش آن، که در مواردی برجسته و الحافی است با کارکردهای امروزی تری عرضه می‌شود.

قالی اردبیل نیز از نظر طرح و بافت یکی از نفیس‌ترین و مشهورترین قالی‌های جهان است. از لحاظ تاریخی نیز سند و مدرک مهمی محسوب می‌شود زیرا دارای تاریخ و امضاء است، و از این رو هسته مرکزی گروه قالی‌های تریچدان یا سبک مشابه است که با

حجم سازی چوب

آذربایجان غربی. هنگامی که انسان تمایل به ساخت احجام و مجسمه را پیدا کرد، چوب را به دلیل ساختار خاص تنوع در رنگ، ماده اولیه کار خود قرار داد. به لحاظ امکانات فیزیکی و نیز بافت زیبای چوب، تولیدات حجم‌های چوبی، بسیار بدیع، زیبا و تحسین برانگیز از آب درآمد است. ابزار کار این هنر، تقریباً همان ابزار کار نجاری و منبت کاری است، ضمن اینکه بر حسب نیاز از وسایل و ابزار خاص نیز استفاده می‌کنند. این هنر در آذربایجان غربی از رواج خوبی برخوردار است و در هر نقطه ایران که چوب یافت شود، ساخت احجام چوبی نیز رواج دارد. ساخت غزال‌های چوبی با ظرافت هر چه تمام‌تر با ارائه بسته‌بندی مناسب می‌تواند از فروش و صادرات خوبی برخوردار باشد. گاه می‌توان ساختن احجام چوبی را با دیگر هنرهای



اثر مثبت و معرق امیر طاعت، سال ۱۳۷۴-۵ که در موزه صنایع دستی سعدآباد قرار دارد

است. تهیه پشم مناسب، شست و شو، رنگرزی و تابیدن آن اهمیت زیادی دارد. رنگرزی الیاف با استفاده از گیاهان و مواد معدنی طبیعی صورت می‌گیرد. رنگ‌های مورد مصرف در بافت ترمه معمولاً عنابی، قرمز، سبز، نارنجی و مشکی هستند و در طرح‌های آن بته جقه، بته خرقه، شاخ گوزنی، امیری، راه راه (محرقات)، بته سروی و بته بادامی بکار می‌رود. بته جقه نقش مایه ایرانی و سمبل مردمانی آزاده ولی انعطاف پذیر است که چون سرو، همیشه آزاده، سرافراز، در برابر تندباد حوادث خم شده ولی نمی‌شکنند. در مجموع ترمه، دستبافته‌ای نفیس است که در تزئین لباس (دوختن قسمت‌هایی از ترمه به لباس)، رومیزی، روبلی و محصولات تلفیقی مانند کیف عینک، کیف پول کاربرد دارد.

چیق

ایلام. چیق همان دیواره چادر زیستگاه عشایر ایران است. عشایر همواره چادرنشین بوده‌اند و چیق، دیواره چادر آن‌ها محسوب می‌شود، بنابراین می‌توان قدمت تولید آن را با تاریخ چادرنشینی برابر دانست. هم زیباست و هم از ورود گرما، سرما، خاک و باد و باران جلوگیری می‌کند و این بدین علت است که نی‌ها تو خالی و مجوف هستند و در نتیجه به عنوان عایق عمل می‌کنند، در مواقع بارندگی یا سرما، رطوبت حاصله باعث انبساط و ازدیاد حجم نی‌ها می‌شود و سبب می‌شود که نی‌ها به یکدیگر بچسبند و دیواره‌ای عایق‌گون به وجود آورد تا از ورود سرما یا باران جلوگیری کند. ضمن اینکه موی بز با داشتن لایه‌ای چربی، مانند چتر عمل کرده و باعث عدم نفوذ قطرات باران به داخل چادر می‌شود. بالعکس در مواقع گرما و خشکی هوا، نی‌ها انقباض (کاهش حجم) پیدا کرده و راه را برای تردد هوا باز می‌گذارند، موی بز سایه غلیظ و سنگین دارد و سایه‌بان مناسبی محسوب می‌شود. در کل چیق مانند دیوارهای دو جداره عمل

اطمینان کامل می‌توان آن را متعلق به اواسط قرن شانزدهم دانست. قالی در سال ۱۵۳۹ میلادی (۹۴۶ ه. ق.) یعنی در سیزدهمین سال سلطنت پنجاه و دوساله شاه طهماسب بافته شده است. تار و پود این قالی ابریشم و گره آن فارسی است و در هر اینچ مربع تقریباً ۱۷×۱۹ گره دارد، که مساوی بهترین نوع قالی کاشان است. قالی اردبیل برخلاف بسیاری دیگر از قالی‌های مشهور آن زمان طرحی آرام دارد و فاقد تصاویر حیوان و انسان است، چه هدف از بافت قالی استفاده از آن در مکانی مقدس بوده است.

ترمه

اصفهان. ترمه از آن رو در این مقاله به اصفهانی‌ها منتسب شده است که زیباترین طراح‌های سنتی و زبردست‌ترین استادکاران مهر تراش در این خطه مستقرند. ترمه از آن دسته صنایع دستی زیباست که در آن طرح‌های زیبا و متنوع سنتی به وفور دیده شده است. ترمه دارای نقوش منحنی از قبیل بته جقه و گل‌های شاه عباسی در رنگ‌های مختلف است. در قدیم نقوش ترمه به روش انگشتی ایجاد می‌شد ولی امروزه دستگاه چهاروردی نساجی سنتی به کار آمده و شخص بافنده به کمک شخصی به نام گوشواره کش که در بالای دستگاه نساجی مستقر است، بافت ترمه را انجام می‌دهند. گوشواره کش، گروه نخ‌های مخصوصی از تارها را انتخاب می‌کند و آنها را به سمت بالا می‌کشد و بافنده پس از انتخاب نخ‌ها توسط گوشواره کش، نخ پود را رد کرده و عمل بافت را انجام می‌دهد ترمه از اوایل دوره صفویه در اصفهان بافته می‌شد ولی اینک این هنر در حال منسوخ شدن است و فقط در کاشان، یزد، کرمان و در اداره کل هنرهای سنتی میراث فرهنگی تهران (به جهت حفظ و احیا این هنر) کارگاه‌هایی محدود، در زمینه ترمه بافی فعال است. الیاف مورد استفاده در ترمه، ابریشم و پشم مرغوب با الیاف بلند

به لحاظ امکانات فیزیکی و نیز بافت زیبای چوب، تولیدات حجم‌های چوبی، بسیار بدیع، زیبا و تحسین برانگیز از آب درآمده است. ابزار کار این هنر، تقریباً همان ابزار کار نجاری و مثبت‌کاری است، ضمن اینکه بر حسب نیاز از وسایل و ابزار خاص نیز استفاده می‌کنند

می‌کند. جالب است که تحقیقات نشان داده است که مار و سایر حیوانات موذی یا گزنده نمی‌توانند از موی بز عبور کنند. مسکن عشایر آلاچیق نام دارد که ترکیبی است از قسمت فوقانی چادر (سقف-بالا) از موی بز بافته شده و به آن سیاه چادر می‌گویند. دیواره‌های جانبی که آن را چپق می‌نامند در اصطلاح محلی (برای راحت ادا کردن کلمه به آن چپت نیز می‌گویند)، مواد اولیه چپق بافی، نی‌های توخالی هستند که در محل زندگی عشایر بصورت خودرو درمی‌آیند و موی بز را از دام‌های خود می‌چینند. برای تزئین و ایجاد نقوش بر روی چپق از پشم یا کاموهای رنگی استفاده می‌کنند. نقوش روی چپق هندسی و ذهنی است.

عبا بافی

بو شهر. روستای کردوان علیا شهرستان دشتی در استان بوشهر مامن بافت عباهای مرغوب است. هم برای پوشش روحانیون و هم برای صادرات به کشورهای عرب نشین خلیج فارس. بافندگان عبا از کرک یا موی شتر و با استفاده از دستگاه نساجی سنتی عباهایی به طول ۶ متر و عرض ۷۵ الی ۹۰ سانتی متر می‌بافند. پس از پایان بافت، عملیات مالش با آب و صابون یا زرده تخم مرغ انجام می‌گیرد تا دست بافته، حالت نرمی پیدا کند. در این زمان است که الیاف پشم در هم فرو می‌رود، نرم و لطیف می‌شود و آنگاه پارچه بافته شده، برش خورده و به صورت عبا درمی‌آید.

شیشه‌گری سنتی

تهران. گیرشمن (ایران‌شناس) در حفاری‌های زیگورات چغازنبیل (بزرگترین بنای خشت و گلی جهان)، بطری‌های شیشه‌ای بدست آورد که قطر خارجی آنها ۲/۵ سانتی متر و قطر سوراخ دهانه ۰/۶ سانتی متر و

در ازی ۷۵ سانتی‌متر داشت. با کشف اشیای زیاد شیشه‌ای از زمان پارت‌ها و ساسانیان می‌توان گفت صنعت شیشه‌سازی از همان زمان در ایران رایج بوده است و تهران هم یکی از مراکز مهم تولید شیشه است.

شیشه‌گری (فوتی) به ساخت و تهیه گلدان، لیوان، کاسه و سایر ظروف مصرفی و تزئینی اطلاق می‌شود. شیشه جسمی است شفاف، شکننده، و ترکیبی است از سیلیکات‌های قلبایی. هنر شیشه‌گری نیز فرم و شکل دادن مواد معدنی ذوب شده در کوره و در حرارت حدود ۱۴۰۰ درجه سانتیگراد با استفاده از روش دمیدن با لوله مخصوص در خمیر مذاب است. که دسته و گل و ... با ابزار ساده دستی به آن افزوده می‌شود. مراحل تکمیل و تزئین آن مانند نقاشی، تراش، آبگری نمودن، مات کردن، و غیره همگی با دستان هنرمندان شیشه‌گر صورت می‌گیرد.

چوقا

چهارمحل بختیاری. دستبافته چوقا شامل کت دراز و بی‌آستینی است که مردان عشایر و روستایی غرب ایران (به ویژه چوپان‌ها) به صورت عبا بر روی سایر لباس‌های خود می‌پوشند. برای بافت چوقا از دستگاه نساجی سنتی استفاده می‌شود. طول پارچه مخصوص چوقا حدود ۲/۵ الی ۳/۵ متر و با عرض ۵۰ الی ۷۰ سانتی متر تولید می‌شود. تار آن نخ پنبه‌ای نمره ۱۰ دولا (گاه پشم) و پود آن از پشم است. پس از اتمام بافت، قطعات را به اندازه لازم و طبق الگویی خاص می‌برند و کنار یکدیگر می‌دوزند. به این ترتیب عبا یا دهقانی، چوقا یا چوخا تهیه می‌شود. در بافت چوقا لازم است تا از پشم‌های با کیفیت بالا استفاده شود. آستین چوقا جنبه نمایشی دارد و بیشتر به کار جیب یا نگاهداری پول و غیره می‌آید. این دستبافته بصورت دورنگ بافته می‌شود و

در بافت چوقا لازم است تا از پشم‌های با کیفیت بالا استفاده شود. آستین چوقا جنبه نمایشی دارد و بیشتر به کار جیب یا نگاهداری پول و غیره می‌آید. این دستبافته بصورت دورنگ بافته می‌شود و معمولاً به رنگهای گرم - آبی، گرم - سرمه‌ای یا گرم - قهوه‌ای است

"چوقا" پوشاک غالب مردان بختیاری عکس: عباس جعفری



امروزه مفرش بافی
با دسته‌های چرمی عجیب
می‌شود و این دست‌بافته
زیبا، با تکنیک بافت گلیم و
یا سوماک که در مواردی
برجسته و الحاقی است با
کارکردهای امروزی تری
عرضه می‌شود

معمولاً به رنگهای کرم - آبی، کرم - سرمه ای یا کرم - قهوه‌ای است.
چوقا در استان چهارمحال و بختیاری فراوان است.

تراش سنگ

خراسان جنوبی. هنر تراش سنگ یا قلمزنی روی سنگ امروزه در مشهد رواج دارد. هنرمندان سنگ تراش، از قطعات سنگ خاکستری رنگی (لاوز یا لاپیس) که از اطراف مشهد استخراج می‌شود و ترکیبی از تالک، کلرور و آهن است، استفاده می‌کنند.

وجود معدن سنگ (لاوز یا لاپیس) باعث شده در هرکوی و برزن این استان کارگاه‌های سنگ تراشی بچشم بخورد. هنرمندان سنگ تراش، از قطعات سنگ خاکستری رنگی که از ترکیب تالک، کلرور و آهن است، استفاده می‌کنند و انواع ظروف، دیگ، ادوات تزئینی و صفحات قاب ماندی را می‌تراشند، صیقل می‌دهند و برای حکاکی به هنرمند حکاک می‌سپارند. هنرمند حکاک ابتدا سطح شیء را به وسیله روغن مخصوص می‌پوشاند که با این روش مشکی برقی به دست می‌آید (گاه نیز سطح کار را با رنگ مشکی می‌پوشاند) طرح مورد نظر را بر روی شیء منتقل کرده و به وسیله ابزار مخصوص حکاکی، زمینه کار را برمی‌دارند (خالی می‌کنند) تا نقوش به رنگ مشکی نمایان و برجسته شود. گاه ممکن است که حکاک، خطوط مربوط به نقش را از سطح کار بردارد و به اصطلاح نقش حالت نگاتیو (منفی) بدهد، در این صورت، طرح به صورت خطوط خاکستری بر زمینه مشکی، حالت زیبایی به کار می‌دهد. نکته قابل توجه آن است که سنگ سیاه مشهد بخاطر وجود ترکیبات آهن در آن، با حرارت دیدن، روز به روز سخت تر و مقاوم تر می‌شود. بنابراین به مرور در اثر استفاده و پختن غذا در آن بر استحکام آن اضافه می‌گردد.

فیروزه کوبی

خراسان رضوی. فیروزه جواهرملی ایران است که حجم زیادی از معدن آن در خراسان یافت می‌شود. این جواهر نسبت به جواهرات دیگر ارزاتر است اما استادکار خوش ذوق ایرانی با هنر خود چنان به این سنگ فیروزه‌ای روح می‌دمد که چشم هر بیننده‌ای را به خود خیره می‌کند.

فیروزه کوبی بر روی وسایل و یا ظروفی از جنس (زیرساخت) مس، نقره، برنج و یا برنز انجام می‌شود که قطعات ریز فیروزه بر قسمت‌هایی از سطح آن به شکل موزائیک کاری در کنار هم نشانده می‌شود. فیروزه کوبی که توسط یوسف حکیمیان در مشهد ابداع شد بر روی زیورآلاتی مانند گوشواره، دستبند، گل سینه و ... انجام می‌شد، سپس توسط صنعتگری به نام حاج داداش این هنر را در اصفهان اشاعه داد.

روش کار هنر فیروزه کوبی بدین صورت است که ابتدا ظرف مسی یا برنجی یا نقره و یا زیورآلاتی مانند جام، شمعدان، گلدان، انگشتر، گردنبند، و... را به عنوان زیر ساخت انتخاب می‌کنند آنگاه قسمتی که باید فیروزه کوبی شود مشخص می‌گردد و محیط آن را با یک رشته باریک فلزی (مس، نقره، برنج) به ارتفاع دو یا سه میلیمتر لحیم و زواربندی می‌کنند، اگر سطح طرح زیاد باشد، داخل طرح را دوباره با همان رشته‌های فلزی نقش داده و لحیم کاری می‌کنند، این کار علاوه بر زیبایی باعث استحکام بیشتر سطح فیروزه کوبی می‌شود. قطعات ریز یا درشت فیروزه را پس از تمیز کردن تفکیک (دانه بندی) می‌کنند. آنگاه شئی مورد نظر را حدود ۳۰ درجه سانتیگراد گرم نموده و در حین حرارت دادن در قسمتهای مورد نظر مقداری لاک پودر شده، می‌پاشند تا ذوب شود، بعد خرده‌های فیروزه را بر روی کار طوری

مفرش، ابزاری برای حمل و نقل لحاف و تشک.
این دست‌بافته عموماً ابزاری کاربردی در عین حال تزئینی است. در موقع کوچ
وظیفه حمل رختخواب‌ها را برعهده دارد و هر جفت از این مفرش‌ها بر روی یک
اسب یا قاطر حمل می‌شود. این روزها این هنر را می‌توان در ابزارهای کاربردی تر
زندگی مورد استفاده قرار داد. عکس: عباس جعفری

قرار می‌دهند که تمام سطح مورد نظر را بپوشاند، در صورتی که سطح مدور باشد، عمل فیروزه چینی را در چند مرحله انجام می‌دهند. برای پر کردن محل‌های خالی، دوباره ظرف را تا ۴۰ درجه حرارت می‌دهند، لاک می‌پاشند و محل‌های خالی را با سنگهای ریزتری می‌پوشاند و در نهایت فضاهای خیلی ریز و خالی را با ملات مخصوص آبی رنگ پر می‌کنند. سپس رویه کار را به کمک چرخ تراش سنگ، سائیده و صیقل می‌دهند (در حین کار باید روی کار، آب جریان داشته باشد)، در مرحله آخر عمل پرداخت انجام می‌گیرد که جلوه خاصی به شئی مورد نظر می‌بخشد. از هنر فیروزه کوبی برای ساخت اشیاء مصرفی و تزئینی مانند قاب، شمعدان، جام، انگشتر، گل سینه، و استفاده می‌کنند.



نمد مالی

خراسان شمالی. به روایت افسانه‌ها اولین بار حضرت سلیمان سعی می‌کند با مقداری الیاف پشم، لباس تهیه کند و چون موفق به این کار نمی‌شود در حالیکه بر روی پشم‌ها اشک می‌ریزد اشک او باعث چسبیدن پشم‌ها به یکدیگر شده نمد ایجاد می‌شود.

نکته جالب نمد این است که تهیه آن بدون استفاده از دار است و عمل بافت صورت نمی‌گیرد، با استفاده از دو خاصیت پشم (جعد یابی و پوسته‌ای شدن) تولید می‌شود. با ایجاد فشار (مالیدن) و رطوبت و حرارت و در نتیجه در هم رفتگی الیاف پشم، نمد تولید می‌شود.

مواد اولیه مورد استفاده در نمد، فقط پشم بهاره گوسفند با الیاف بلند در رنگ‌های مختلف است، البته کمی صابون و گاهی زرده تخم مرغ را می‌توان جز مواد مصرفی در تولید نمد به حساب آورد. ابزار کار

نمدمالان معمولاً پارچه کرباس برای بستن نمد است و ابزار خاصی ندارد و زحمت و حوصله و کار طاقت فرسای هنرمند است که باعث بوجود آمدن نمد می‌شود. نمد را معمولاً می‌توان یک روزه تولید کرد، نکته جالب توجه آن است که برای تهیه یک نمد دو در سه متر همان مقدار پشمی که برای تولید قالی در همین ابعاد، مورد نیاز است؛ مصرف می‌شود. فقط مدت زمان تولید نمد (یک روز) باعث می‌شود که نمد بسیار ارزانتر از قالی به فروش برسد. نحوه تولید بطور خلاصه بدین صورت است که ابتدا نقش را بر روی پارچه کرباس با استفاده از پشم‌های رنگی (خود رنگ) طراحی می‌کنند و سپس پشم‌های حلاجی شده را روی کل سطح مورد نظر قرار می‌دهند. با پیچیدن کرباس و مالیدن آن و پاشیدن آب جوش نمد را تولید می‌کنند. استان مازندران و سمنان و چهارمحال و ... همه در تولید نمد نقش دارند. نمد در اصل به عنوان نوعی زیرانداز، تنهایی یا بر روی قالی یا گلیم قرار می‌گیرد، ولی مصارف دیگری هم چون زیرمنقلی، رویه کرسی، جل اسب دارد. امروزه، کاربرد نمد در وسایل آشپزخانه از قبیل دستگیره، روغوری، روکتی، دستکش فر و ... به چشم می‌خورد.

کپوی دزفول

خوزستان. کپو از دیگر صنایع دستی زیبای ایران است. این هنر شامل بافت و تزئین سبدهای حصیری از برگهای درخت خرما است که با کاموهای رنگین پوشانده می‌شود. کپوها به دو صورت تزئین می‌شوند، یک سری دارای زمینه ساده و حصیری هستند و نقوش هندسی به وسیله کاموا بر روی آن ایجاد می‌شود. در گروه دوم، تمام سطح کپو با کاموهای رنگی کاملاً پوشیده شده و الیاف حصیری دیده نمی‌شوند. معمولاً به درب کپو منگوله‌ای نصب می‌شود تا علاوه بر جنبه تزئینی، باز کردن در آن راحت تر باشد.

سبدهای کپو موارد مصرفی چون جای نان، جای لوازم خیاطی و ... دارند. ولی با طراحی کاربری‌های جدید می‌توان به رونق این محصول زیبا کمک کرد. نقوش مورد استفاده بر روی کپو هندسی بوده و در رنگ‌بندی‌های بسیار شاد ارائه می‌شود. این فرآورده خاص منطقه جنوب کشور علی‌الخصوص شهر دزفول است.

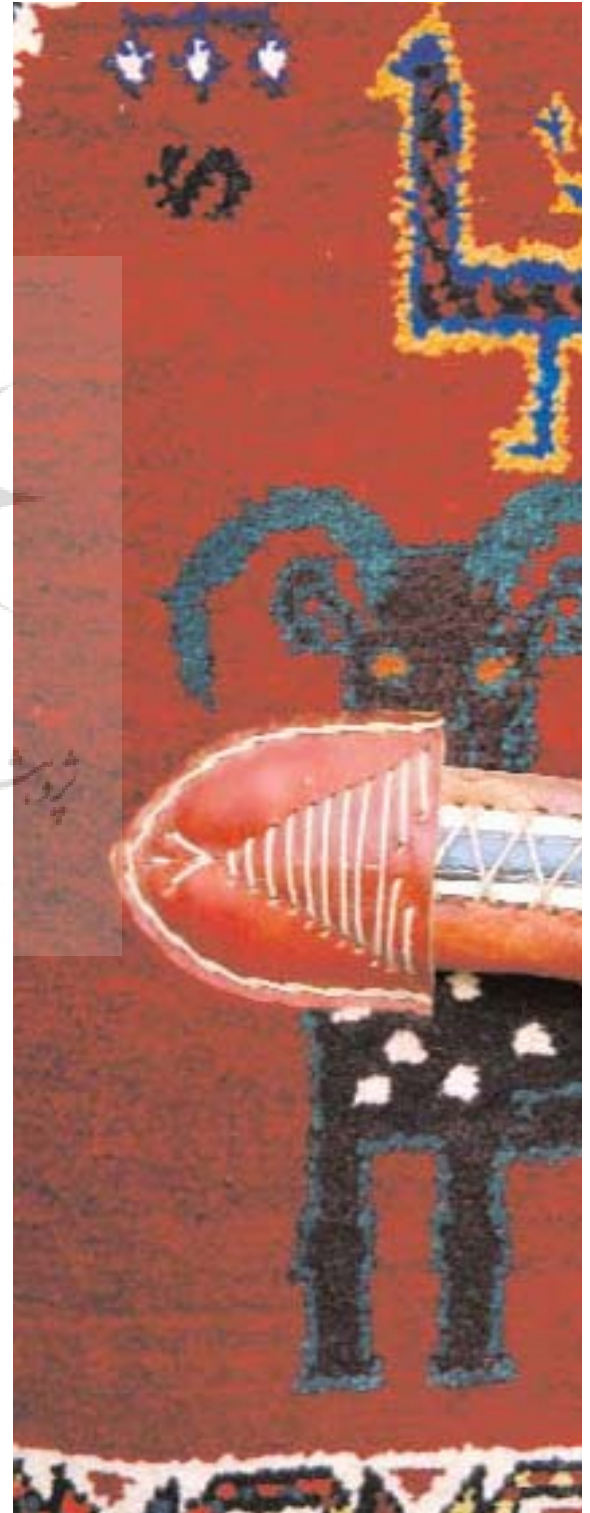
ملیله کاری

زنجان. قدیمی‌ترین اشیای ملیله در ایران مربوط به ۵۵۰ تا ۳۳۰ قبل از میلاد است. در این میان ملیله کاران زنجان در ارائه فرآورده‌هایی مصرفی همچون سینی، قندان، گیره استکان، گل سینه و ... تبحر قابل توجهی دارند. نقره مورد مصرف ملیله کاران دارای عیار ۱۰۰ بوده که تعدادی شمش نقره را با دستگاه نورد یا با ضربات چکش به صورت مفتولی چهار پهلو درمی‌آورند. آنگاه بر حسب طرح مورد نظر اقدام به ساخت گل‌های کوچک و ظریف که به نامهای بنه جقه، ریزه جقه، برگ فرنگ، برگ، غنچه، پیچ، جفت پیچ، پیچک، سه چشمه و ... می‌کنند. این گلها را در مکانهای مورد نظر در قالبی که از قبل تهیه شده می‌چینند و برای اتصال آنها به یکدیگر از نقره با درجه خلوص پائین بصورت لحیم استفاده می‌نمایند و پس از حرارت دادن نهایی، آن را از قالب در آورده و صیقل می‌دهند.

گلپج

سمنان. شهرها و روستاهای شمالی استان سمنان به نام‌های اروست، فولاد محله، رضآباد و چاشم در گلپج بافی متبحر هستند. گلپج بافی یکی از دستبافته‌های سنتی ایران است که قدمتی خاص دارد. وجه تسمیه آن شاید بدان علت بوده که این دست بافته شبیه به گلیم است و در اصطلاح محلی، آن را بدین نام تلفظ می‌کنند. تارهای گلپج از نخ پنبه‌ای پرتاب، و بود آن از پشم‌های الوان است. ابزار کار گلپج بافی، شبیه به دستگاه نساجی است ولی دست بافته، شبیه به گلیم

قدمت بافت چپق، با تاریخ
چادر نشینی در سرزمین ما برابر
است. هم زیباست و هم از ورود
گرما، سرما، خاک، باد و باران
جلوگیری می‌کند و این بدین علت
است که نی‌ها تو خالی و مجوف
هستند و در نتیجه به عنوان عایق
عمل می‌کنند.





پوشاک زنان ترکمن با زیورات نقره ترکمنی
رتال حاج محمد عثمان

عکس: آرشیو سفر

پوشاک زن ترکمن با زیورات نقره ترکمنی



بوده و از آن جا که با دستگاه نساجی بافته می شود، بازده تولید آن بیشتر از تولید گلیم است و از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه تر است. روش بافت گلچ مانند پارچه است، با این تفاوت که از نخ پنبه ای پرتاب برای تار استفاده می شود، سپس در موقع پودگذاری از پشم های الوان استفاده می شود و نقوش زیبایی چون بز، پرنده یا حیوانات ساده استلزیه شده و اشکال هندسی ترکیبی، در رنگها و طرح های مختلف بافته می شود. این هنر در حال منسوخ شدن است. ابعاد گلچ به ابعاد سجاده، زیرانداز و پادری بافته می شود.

سفال کلپورگان

سیستان و بلوچستان: سفال کلپورگان ویژگی های منحصر بفرد دارد. کلپورگان در سراوان سیستان و بلوچستان یکی از مراکز سفالگری در ایران است که خاصه مهم آن تکنیک ساخت و نقاشی آن است. در کلپورگان، سفال نه با چرخ سفالگری، بلکه به روش فتیله ای ساخته می شود، بدین صورت که پس از ورز دادن گل، آن را به صورت فتیله های باریک در آورده، فتیله ها را روی هم چیده تا حجم مورد نظر بدست آید. آنگاه آنقدر با دست (وسیله ای دیگر) خط های عمودی یا مورب می کشند تا خط های حاصله از فتیله ای بودن محو شود و سطح ظرف صاف بنظر آید. آنگاه با قطعه ای چوب با استفاده از نقطه های پیاپی شکل های مورد نظر را روی سفال نقاشی می کنند. سپس ظرف را در کوره های دست ساز که شامل مقداری خار و خاشاک است نهاده و عمل پخت را انجام می دهند.

سفال کلپورگان فاقد لعاب است. ظرف های ساخته شده در کلپورگان، سفال های انسان های نخستین را تداعی می کند نکته جالب توجه درباره سفال های کلپورگان دسته ظروف است. این دسته ها برخلاف سفال های امروزی دیرتر از بخش های دیگر سفال می شکنند. علاوه بر این مسئله، نکته جالب این نوع سفال در تنوع تولیدات سفال های این منطقه است.

اغلب این سفال ها با اشکال نمادین سر حیوانات، بخوردان هایی به شکل انار برای اسپند دود کردن، ظروفی به شکل شتر و سگ از زمره این تولیدات است. در حال حاضر این سفال با استقبال بازار مصرف روبرو نیست. گویی ظروف پلاستیکی سبک جایگزین سفال های دست ساز صنعتگران بومی شده است، غافل از آنکه هیچ ظرف پلاستیکی مایعات را مانند سفال خنک و تازه نگه نمی دارد در این میان آنچه از رونق می افتد نه خنکای آب، بلکه هنر بی بدیل سفال کلپورگان است. در حال حاضر محققین داخلی و خارجی زیادی بر روی مجموعه سفال های کلپورگان و نوع ساخت آنها مطالعاتی را انجام داده اند.

سفال ها عمدتاً از خاک های ثانویه ساخته می شوند. خاکهای ثانویه، خاک هایی هستند که به طور مرتب در حال جابجایی و تغییر مکان هستند، لذا دارای خلوص کمتر و چسبندگی بیشتری هستند و جهت پخت به درجه حرارتی حدود ۹۵۰ تا ۱۰۰۰ درجه سانتیگراد نیاز دارند. مهمترین خاک ثانویه، انواع خاک رس است که با نام علمی Earthen ware شناخته می شوند و رنگ طبیعی آنها از نخودی تا قرمز تغییر می کند. اصطلاح انگلیسی سرامیک دقیقاً دارای مفاهیم سفال در زبان فارسی است که از واژه یونانی Kermose به معنای خاک رس گرفته شده است.

گبه

فارس: نقوش گبه مانند نقاشی بچه ها است. ساده و بدون آرایش، الهام گرفته از طبیعت اطراف بافنده. طرح گبه، ذهنی است و بافنده آزاد است هر چه پیرامون خود می بیند و دوست دارد، در هر جای گبه که می خواهد ببافد و آمال و آرزوهایش را به تصویر بکشد. گل، سبزه، بازی کودکان، گله گوسفندان، آرزوی باران، نقش شیر (به معنی

حفاظان و نگاهبان خانه) و

گبه در قسمت های جنوب و مرکز کشور و ایل قشقایی بافته می شود و بافت آن شبیه به بافت قالی می ماند و تفاوت آن در تعداد پودهای نازک، رنگ، طرح و ابعاد آن است. در بافت گبه، تعداد پودهای نازک به ۲ الی ۱۳ پود می رسد، اما به جهت اینکه پرزها بلند گرفته می شوند، دیده نمی شوند. تفاوت دیگر در رنگ بندی و طرح آن است که در بافت گبه، حاشیه و نقوش طبق اصول متداول قالی بافی بافته نمی شوند. ممکن است گبه ای حاشیه نداشته باشد و یا نقوش آن قرینه نباشد.

تفاوت دیگر گبه با قالی در رنگ بندی آن است، پشم های به کار رفته در بافت گبه خود رنگ است. گبه عموماً برای مصرف شخصی خود عشایر بافته می شود، ولی امروزه به خاطر نقوش خاص و ساده آن طرفداران زیادی پیدا کرده است و البته رنگ و طرح های آن نیز دچار دگرگونی شده است.

نگارگری (مینیانور)

قزوین: در هنر نگارگری یا نقاشی ایرانی، طبیعت نه بسان عکس، بلکه آن طور که هنرمند می خواهد به تصویر می کشد و به هیچوجه تابع مقررات و قوانین حاکم بر فضای نقاشی رایج نیست بلکه برای خود دنیا و قوانین دیگر دارد. این هنر به اعتقاد اکثر محققان در ایران تولد یافته، بعد به چین راه برده و از دوره مغول ها به صورت تقریباً کامل تر به ایران برگشته است. نگارگری (مینیانور) از صنایع دستی مستظرفه ایران است و مینیاتورهای امروز ایران، همان نقاشی کلاسیک اروپا (سبک امپرسیونیسم و به دنبال آن شیوه های مدرن نقاشی اروپایی) است. هرچند به عقیده گروهی ایرانیان در زمان ظهور اسلام، در هنر نقاشی دارای سنتی کهن بوده اند. اما هیچ سند معتبری که این ادعا را ثابت کند در دست نیست.

سفال کلپورگان، نه با چرخ سفالگری، بلکه به روش فتیله ای ساخته می شود و یکی از روش های منحصر بفردی است که در سراوان سیستان و بلوچستان کاربرد دارد. عکس: علی رضا کریمی صامی



فیروزه کوبی، اثر روبن یرشملی در موزه صنایع دستی کاخ سعدآباد عکس: بهرام فرهنگند



نگارگری دوره صفویه در چهل ستون اصفهان
عکس: عباس جعفری

در قدیم ابزار کار از جمله قلم مو و رنگ توسط خود هنرمند تهیه می شد. قلم موها از موی سمور یا گربه که در غلافی از دم شاه بال کبوتر، قرار می گرفت و با سریش و نخ محکم می بستند. رنگها از انواع گیاهان و مواد معدنی مانند زعفران، نقره ی سائیده و تهیه می شد. امروزه ابزار کار مدرن تر شده و کار نگارگری تا حدی دچار تحول شده است. در این هنرمکاتبی چون قزوین، شیراز، هرات و ... وجود داشت که هر کدام از جلوه خاصی برخوردار بودند. امروزه استاد محمود فرشچیان و استاد میرباقری، شیوه های جدیدی ابداع کرده اند که در نوع خود بسیار زیبا و مایه افتخار این هنر و افتخار نقاشی ایران در نزد دیگر کشورها است. از مشخصات نگارگری مکتب قزوین می توان به پیکره های جوان با تاکید بر کشیدگی اندام و گردن، خطوط موج و حالات ملیح و ظریف پیکره ها، چهره های با چشمان درشت، تصویر سالخوردهگان با نوعی رئالیسم متمایل به کاریکاتور، بهره گیری از رنگ سبز سیر برای اجرای زمینه نگاره ها و منظره پردازی های دلنشین و چشم نواز اشاره کرد.

آبی بسیار زیبایی را پدید می آورد، که این رنگ آبی بخصوص در دنیا منحصر بفرد است و هنوز کسی موفق به ساخت رنگی همانند آن نشده است. در تمامی دنیا، کشورهایی که دارای پیشینه تمدن و فرهنگ هستند به نوعی مهره یا شیشه های آبی رنگ، برای دفع چشم زخم تهیه می کنند. ایرانیان معتقد هستند برای دفع چشم زخم از این نوع مهره ها استفاده شود که در میان گردشگران خارجی به Turquoise یا Blue Bead نیز شهرت دارد.

نازک کاری چوب

کردستان: نازک کاری روی چوب، از جمله رشته های متنوع و با ارزش چوب است که طی آن، چوب بر اساس طرح و نقش مورد نظر، روکش می شود. با این تکنیک، محصولات ظریف و نازک چوبی در نهایت ظرافت و با دقت و زیبایی تولید می شود. چوب های مورد استفاده عبارتند از چوب گلابی، گردو، کیکم، سنجد، چنار، کاج، توسکا و ... و موادی چون سریشم سرد، سریشم گرم، کیلر، لاک الکل و ابزاری چون رنده دستی و برقی، اره، لیسه، مغار، گیره دستی، چرخ سمباده و ... ابزار کار هنرمندان این رشته است. هنر نازک کاری در شهرسندج از رونق خوبی برخوردار است و با آن محصولاتی تزئینی و کاربردی مانند جعبه تخته نرد، شطرنج، انواع تزئینات صندلی، میز و ... تهیه می کنند.

پته

کرمان: یکی از قدیمی ترین پته های موجود، روکش مقبره شاه نعمت اله ولی در ماهان کرمان است که از زیباترین و ظریف ترین پته ها است. زمینه این پارچه کرم رنگ با نخ های پشمی الوان همراه است که بر روی آن بته جقه های مختلفی رودزی شده است. این روکش آرامگاه کار ۲۲ زن هنرمند و در مدت ۶ ماه به انجام رسیده است.

خرمهره

قم: یکی از بازماندگان حقیقی ۶۰۰۰ ساله صنعت سفال سازی، پشه خرمهره سازی است که از مهره های فیروزه ای رنگ از قدیم منحصرأ در قم ساخته می شده است. مواد اولیه خرمهره سازی سیلیس ریز و پودر شده، سریش، پودر گیاه اشنو و قلیا است. برای ساختن خرمهره، ابتدا پودر سنگ (سیلیس) خرد شده را با سریش مخلوط کرده و با پودر گیاهی بنام اشنو و قلیا، خمیر خرمهره را تهیه می کنند، سپس خمیر را به شکل های مورد نظر که عمدتاً بصورت مهره (کروی و دارای سوراخ) است؛ فرم داده و لابلای شن در کوره قرار می دهند، در اثر حرارت کوره، سریش می سوزد، ولی شیره گیاه، بصورت شیرابه ای آبی رنگ باعث چسبیدن قطعات سیلیس به یکدیگر شده و

در هنر نگارگری (مینیا تور) نقاشی ایرانی، طبیعت نه بسان عکس، بلکه آن طور که هنرمند می خواهد به تصویر می کشد و به هیچوجه تابع مقررات و قوانین حاکم بر فضای نقاشی رایج نیست بلکه برای خود دنیا و قوانین دیگر دارد. این هنر به اعتقاد اکثر محققان در ایران تولد یافته، بعد به چین راه برده و از دوره مغول ها به صورت تقریباً کامل تر به ایران برگشته است

آغاز بافت گچمه تا حدود زیادی به بافت گلیم شباهت دارد با این تفاوت که در مواردی خاص که مد نظر بافنده است، نخ پود به دور تارها پیچیده و مانند بافت قالی گره زده می شود

تفاوت که در مواردی خاص که مد نظر بافنده است، نخ پود به دور تارها پیچیده و مانند بافت قالی گره زده می شود. بنابراین در این قسمت، گچمه، با گل هایی برجسته و دارای بعد به نظر می آید.

لباس محلی ترکمن

گلستان. یکی از صنایع سنتی و بومی ایران، دوخت لباس های محلی است، شاید به جرأت بتوان گفت که هیچ کشوری به اندازه ایران از این همه تنوع در طرح و رنگ لباسهای محلی برخوردار نیست و این شاید به علل تنوع قومی در ایران است. پس از گذشت قرنها و با پیشرفت صنایع ماشینی، هنوز هم وقتی به روستاها مراجعه می کنیم می توانیم لباسهای محلی را بر تن اهالی روستا مشاهده کنیم که مانند پروانه ای بر چمن زار در حرکت هستند. قسمت های مختلف لباس از سرپوش، تن پوش، پای پوش و ... برای مردان و زنان در رنگهای شاد و زیبا تهیه می شود و به عنوان لباس رسمی در مراسم های شاد و جشن و سرور بر تن مردم دیده می شود. یکی از این اقوام که هنوز همچنان بر آداب و رسوم خود پایبند هستند و تبلیغات و ورود پارچه و لباسهای وارداتی، خللی در لباس این مردم ایجاد نکرده است، لباس مردم ترکمن است. فقیر و غنی، تحصیلکرده یا غیر همه و همه، لباسهای خاص خود با همه اجزای آن که شامل کلاه، پیراهن، جلیقه، کت، شلوار، کفش و زیور آلات دست ساز است را خود تولید می کنند، با نقوش خاصشان مزین نموده و می پوشند و به آن افتخار می کنند. روسری زنان روستای زیارت از ویژگی جالبی برخوردار است. در این روستا زنان از سه نوع روسری که روی هم بسته می شده استفاده می کردند ابتدا روسری که پارچه آن دستباف و رنگ آن مشکی بوده و از قسمت

پته دوزی هنر مختص زنان باذوق و هنرمند کرمانی هاست. در این نوع رودوزی بر روی پارچه های پشمی دستباف یک رنگ (به نام عریض) بانخ های پشمی ظریف و الوان که معمولا به رنگهای عنابی، مشکی، سبز، زرد، نارنجی، قرمز و آبی و سفید دیده می شود، طرح های مختلف بته جقه و یا طرح های هندسی را رودوزی می کنند و در حاشیه از گل و برگ استفاده می شود. پته دوزی مصارف متعددی دارد و از آن برای تهیه رومیزی، سجاده، جلد قرآن، جانماز، پرده، کوسن، زیر لیوانی و ... استفاده می کنند.

گلیم هرسین

کرمانشاه. قدیمی ترین گلیم به دست آمده به دوره اشکانیان مربوط است. اگرچه در کشورمان بیش از ۳۰ نوع گلیم شناسایی شده است، اما گلیم های ایرانی را به سه دسته تقسیم می کنند.

دسته اول: گلیم های ساده یا دو رو یا تخت، که برای بافت آنها از روش پودگذاری استفاده می شود. این گلیم ها ضخامت کمتری در مقایسه با انواع دیگر دارند. طرح و نقشهای دو روی گلیم یکسان است و در نهایت از دو سمت (پشت و روی) آن می توان استفاده کرد.

گچمه

کهگیلویه و بویراحمد. گچمه در گروه گلیم هایی قرار می گیرد که یک رو بوده و در بافت آن از روش و تکنیک های مختلف بافت گلیم ساده (پود گذاری)، بافت گلیم سوماک (پود پیچی) و حتی درر مواردی بافت قالی (گره کامل) استفاده می شود. آغاز بافت گچمه تا حدود زیادی به بافت گلیم شباهت دارد با این

هنرمند قلمزن. عکس: آرشیو سفر



هنر حصیربافی در اکثر نقاط روستایی ایران، به ویژه در مناطق نزدیک به دریا و رودخانه رواج دارد. زیرا ماده اولیه حصیر بافی را گیاهان خودرو حاشیه مرداب و رودخانه ها تشکیل می دهند. در بسیاری از مناطق نیز از ساقه گندم، جو، برنج و ... برای بافت حصیر استفاده می شود



سینی ورشو قلمزنی شده. لایلا فرهید. این ورشوسازی کار دانشجویی است که با طراحی مدرن و امروزی، با رعایت اصول طراحی سنتی، دست به نوآوری زده و بر روی ورشو قلمزنی کرده است.

پیشانی به پشت گردن گره می خورده، را می بستند. سپس روسری قرمز رنگ دیگری را روی آن می بستند که به آن پیشانی بند می گویند. این نوع روسری دارای ریشه های تزئینی به همراه دانه های رنگی تسمه بوده است. روسری سوم روی دو گونه قبلی بسته می شده و در بالای سر گره می خورد که به کل روسری ها و نحوه بستن آن "مندیل" می گویند. پس از بستن روسری سه قسمت از مو را بیرون می آورند، از جمله موی پیشانی بصورت چتری و دو قسمت هم کنار گوش که یکی کوتاهتر است و دیگری بلندتر و پایین ترین مو را بصورت گرد تزئین می کردند. گوشواره های تخته ای را هم به گوش آویزان می کردند، بطوریکه کاملاً دیده شود.

قلابدوزی رشت

گیلان. قلاب دوزی یکی از دوخت های زیبای ایرانی است که سابقه قدمت آن به سال ۵۵۰ قبل از میلاد می رسد (درحرفیات باستانشناسی در منطقه لولان، در منتهی الیه شرق ایران، قطعاتی از میلیله دوزی و قلابدوزی پیدا شده است). زیباترین آثار قلابدوزی مربوط به استان گیلان (شهر رشت) است، البته در مهاباد نیز نوعی قلابدوزی رایج است که شباهت زیادی در شیوه تولید، ابزار و نقوش به قلابدوزی رشت دارد، اما فاقد تنوع رنگ است. قلابدوزی به سه دسته تقسیم می شود، قلابدوزی ساده، برجسته و معرق که نوع سوم آن زیباتر و پراکتر از بقیه بوده و هنرمند، قطعات ماهوت رنگی را بر زمینه کار (مثلاً گلبرگ ها، برگها) نشانده و به کمک قلاب، دور آن را به پارچه اصلی قلابدوزی و متصل می کند.

ابزار کار قلابدوزی بسیار ساده است و مهم ترین آن، وسیله ای است فلزی و تا حدودی شبیه به قلاب های معمولی، با این تفاوت که قسمت نوک آن برخلاف سایر قلابها، تیز و فاقد انحنای قلاب های معمولی است. در عوض یک بریدگی مورب در فاصله پنج میلیمتری نوک قلاب دارد. وسیله دیگر قلابدوزی، جریده نام دارد که حالتی گیره مانند دارد که یک قسمت از پارچه را در لای دهانه آن قرار داده و به کمک زانو آن را بهم می فشارند تا پارچه خارج شود، آنگاه سر نخ را گره زده و قلاب را از روی پارچه به داخل فرو برده، گره را در شیار قلاب استوار کرده و قلاب را از پارچه بیرون می کشند. در این حالتی که از نخ یک نیم دایره درست می شود. این کار ادامه پیدا کرده و زنجیروار خطوط دوخته می شود. پارچه مورد مصرف قلابدوزی، ماهوت مرغوب به رنگهای : سیاه، آبی سیر، زرشکی، قرمز تند، قهوه ای بوده و نخ های مورد مصرف، نخ های ابریشم طبیعی و تابیده در رنگهای متنوع است. موارد مصرف قلابدوزی به طرز عمده برای روی میز، رویه کرسی، چاق قرآنی و ... است.

ورشو

لرستان. ورشوسازی عبارتست از ساخت و تهیه انواع ظروف مصرفی از قبیل سماور، سینی، انگاره و ورشو آلیاژی است از جنس ۲۰٪ نیکل، ۳۵٪ روی، ۴۵٪ مس که به رنگ نقره ای است. این آلیاژ به خوبی فرم می گیرد و می توان از آن سازه هایی مصرفی و زیبایی که کاملاً جنبه کاربردی دارند، تهیه کرد، سپس روی آن را قلم زنی نموده و بر زیبایی آن افزود. خاستگاه این هنر را در شهر بروجرد استان لرستان می دانند. عکس نمونه کار دانشجویی است که با طراحی مدرن و امروزی، در عین حال رعایت کردن اصول طراحی سنتی، دست به نوآوری زده و بر روی ورشو قلمزنی نموده تا علاوه بر جنبه مصرفی سینی ورشویی، جنبه هنری و تزئینی که خاص ایرانیان است را نیز در این محصول اعمال کند.

کنده کاری روی چوب

مازندران. مورخین کنده کاری چوب را یکی از ارزنده ترین هنرهای

صنعتی ایران گذشته، به ویژه از زمان استیلای اعراب می دانند، کنده کاری مسجد الجایتو در سلطانیه (سال ۱۳۲۰ میلادی) از چوب بسیار خوب تهیه شده و هنوز در وضع و حالت اولیه خود باقی مانده است.

چوب های مناسب برای چوب گردو، فوفل، انار سرخ، انار زرد، افرا و از همه بهتر چوب گلابی است. ابزار کار: مغارنیم باز، مغار لوله کوچک، مغار کبریتی، قلم های کوچک و بزرگ، سندان، مارپا (ترکیبی از سوهان و اره) و اره مویی از ابزار کار این هنر هستند. یکی از مراکز مهم تولید این فرآورده استان مازندران است و در روستای گلگرد نور استان مازندران، با استفاده از ابزار بسیار ساده و ابتدایی، از دل تکه های چوب و تنه درختان، ظروف مصرفی - تزئینی را بیرون آورده و با قلم هایی بسیار ساده به کنده کاری روی چوب می پردازند. با این هنر می توان ابزار مصرفی چون مهره شطرنج و تخته نرد، صندوق، کشکول درویشان، دسته قاشق شربت خوری (قاشق شاهی)، درب های اماکن مقدسه و ... تولید کرد.

قلمزنی

مرکزی. سابقه هنر قلمزنی را به زمان "سکاه" یا "سیت ها" منسوب می کنند. این قوم حدود پنج الی هفت هزار سال پیش در قفقاز زندگی می کرد و نژاد آریایی داشت. برای خلق یک اثر، ابتدا (داخل یا زیر) زیر ساخت (ظرف یا سینی) که معمولاً از مس یا نقره و گاه طلا است را از محلول قیر و گچ پر می کنند (برای جلوگیری از سر و صدای قلم و سوراخ شدن در اثر ضربه)، سپس طرح (طراحی سنتی) مورد نظر را بر روی ظرف پیاده نموده و قلم مورد نظر که دارای نوک های مختلفی هستند انتخاب می کنند. براساس طرح، با چکش به آرامی و با آهنک می موزون به انتهای قلم می کوبند. تند و کند قلم و چکش (شدت ضربه) در ایجاد بعد نقوش، نقش مهمی ایفا می کند که این هنر فقط به دست اساتید این رشته ساخته است. در میان قلم ها، قلم سایه و نیم بر از اهمیت بیشتری برخوردار است. بعد از اتمام کار قیر را جدا کرده، گرده ذغال روی شیارها ریخته و با روغن جلای سیاه روی ظرف را می پوشانند، سپس روغن اضافه را گرفته و ظرف را تمیز می کنند. نقوش قلم زده شده به صورت خطوطی مشخص و تیره نمایان می شود. این هنر در استان مرکزی رواج دارد و نمونه ای از هنر قلمزنی این منطقه که بادبای* مسی بود به عنوان یک اثر زیبای هنر ایران در ورودی سازمان مالکیت های معنوی WIPO در سوئیس قرار دارد.

حصیر

هرمزگان. هنر حصیربافی در اکثر نقاط روستایی ایران، به ویژه در مناطق نزدیک به دریا و رودخانه رواج دارد. زیرا ماده اولیه حصیر بافی را گیاهان خودرو حاشیه مرداب و رودخانه ها تشکیل می دهند. در بسیاری از مناطق نیز از ساقه گندم، جو، برنج و ... برای بافت حصیر استفاده می شود. شیوه کار حصیر بافی بدین صورت است که ابتدا ساقه های مناسب و هماهنگ (از لحاظ قطر) را جدا کرده و در آب خیس می کنند، سپس ۳ تا ۵ ساقه را در کنار یکدیگر قرار داده و به کمک ساقه دیگری که به دور آن پیچیده می شود آن را به هم می بافند و اشیایی همچون زنبیل، کیف، جای نان یا میوه، زیرانداز، دیوارکوب و ... تولید می کنند. گاه بسته به سفارش، حصیر را رنگ آمیزی نموده، استفاده می نمایند. در بعضی مناطق بر روی تولیدات حصیری، با نخ های الوان، گل و بوته نیز گلدوزی می نمایند.

* بادبایب : جام بزرگ پایه دار از جنس مس که در ورودی مساجد گذاشته و در آن آب می ریختند، پادیه ی آب. پادیه : ظرف مسی. چنانچه جام مورد نظر از سنگ تراشیده شود به آن سنگابی می گویند.